زمینه‌ها و آسیب‌های گسترش ابتذال در سینمای ایران

بخش اول

آرش فهیم

خط تولید کمدی سخیف محصول مشترک شبه روشنفکران و مدیران سینمایی!

پرده نقره‌ای، خیال‌انگیزترین دستاورد بشر در قرن اخیر بوده است. این اسباب حیرت و شگفتی، به خاطر تجمیع همه هنرها در خود می‌تواند رویاهای انسان را نزدیک به واقعیت نمایش دهد. به همین دلیل هم خیلی زود در همه جای دنیا نفوذ کرد.

در ایران بعد از انقلاب اما نوعی متفاوت و محجوب از این هنر ظهور کرد که تا قبل از آن، نمونه‌اش کمتر در دنیا دیده شده بود. این بار پرده نقره ای، طلایی‌ترین آرمان‌ها و تصورات انسان‌ها را به تصویر می‌کشید. البته این روزها روی پرده بسیاری از سینماها نه از نقره خبری هست و نه از طلا؛ این لشکر فیلم‌های زرد است که دائم خودش را به رخ علاقه مندان سینما می‌کشد. خانوادگی‌ترین سینمای جهان، امروز چندان برای روح و روان خانواده‌ها، امن به نظر نمی‌رسد.

هجوم گسترده و نمایش تعداد زیادی از فیلم‌های موسوم به «کمدی سخیف» در ماه‌های اخیر، به عنوان یک آسیب خاص فرهنگی و اجتماعی، قابل تأمل است. البته این نوع فیلم‌ها همیشه ساخته و نمایش داده شده‌اند؛ آنچه به نام فیلمفارسی شناخته می‌شود قبل از انقلاب بر این عرصه حکومت می‌کرد و پس از انقلاب نیز از اواسط دهه ۷۰ بار دیگر غالب شد. اما تعدد و تکثر این نوع فیلم‌ها و همچنین هنجارشکنی افراطی، آنها را به یک جریان تهدیدآمیز و مخرب علیه فرهنگ و هنر و حتی سینمای ما تبدیل کرده است.

فیلم‌هایی که اغلب، ویژگی‌های مشترکی دارند: استفاده مفرط از شوخی‌های غیراخلاقی و به کارگیری بیش از حد اشارات جنسی، استعمال پررنگ الفاظ رکیک، ضعف شدید ساختار و محتوا، انتخاب نام‌های پیش پا افتاده یا استفاده از اسامی شهرهای خارجی (تگزاس، لس آنجلس، میامی، خانم یایا، وای آمپول و...) در عناوین فیلم‌ها، تحقیر شخصیت‌های درون داستان فیلم و... از ابتدای سال ۹۷ تاکنون بیش از ۱۵ فیلم به نمایش درآمده که به این مشخصات، مبتلا هستند. این یک آمار بی‌سابقه از نمایش حجم زیادی از چنین فیلم‌هایی در یک مقطع زمانی کوتاه است.

اما سؤال اساسی این است که چرا کار سینمای ما به اینجا رسیده است؟ چه عوامل و زمینه‌هایی باعث شد تا سینمایی که روزگاری به خاطر پاکی وسلامت آثارش موجب افتخار بود، امروز این گونه از ابتذال فوران کند؟ در گزارش امروز و فردای کیهان به دنبال یافتن پاسخ این سؤال‌ها هستیم. با ما همراه باشید.

فربه اما بدون مغز

تغییرات فرهنگی و اجتماعی هیچ گاه در کوتاه مدت رخ نمی‌دهند، بلکه مجموعه‌ای از عوامل در طول زمان باعث تبدیل شدن پدیده‌ها به جریان و قرار گرفتن استثناها در جای قاعده می‌شود. تعدد و تکرار بیش از حد فیلم‌های سخیف نیز از جمله این نمونه هاست که باید علل و بسترهای آن را شناسایی کرد.

سعید مستغاثی، منتقد و مستندساز درباره زمینه‌های گسترش تولید فیلم‌های سخیف در سینمای ایران به گزارشگر روزنامه کیهان می‌گوید: «یک روال منطقی، سینمای ما را به اینجا رسانده است. فارغ از دوران قبل از انقلاب، سینمای ایران در سال‌های بعد از انقلاب، مسیر نسبتا خوبی داشت اما رفته رفته این مسیر تغییر کرد. می‌توان عملکرد این سینما را با یک ورزشکار مقایسه کرد. فرض کنید یک ورزشکار به جای تمرین و رژیم غذایی خوب، غذاهای نامطبوع بخورد و از حالت ورزشکاری خارج شود. به‌طور طبیعی وقتی چنین روندی پیش رود، این ورزشکار تبدیل به یک عنصر بی‌مصرف و بی‌خاصیت می‌شود. سینمای بعد از انقلاب نیز نتیجه یک روند است. یعنی سینمای ما از اواسط دهه ۷۰ با برداشته شدن برخی از موانع و شروط دچار نوعی استحاله شد. در همان دوران، برخی از سینماگران نسبت به مسیری که طی می‌شد هشدار می‌دادند. مجید مجیدی ازجمله فیلمسازهایی بود که در دهه ۷۰ بارها گفت که سینمای ایران به سوی ابتذال می‌رود و یک بار نیز در نامه‌ای به رئیس‌جمهور دولت وقت، سینمای دوره او را مبتذل ارزیابی کرد. حتی یادم هست که در پایان اولین دوره جشنواره فیلم فجر، پس از دوم خرداد سال ۷۶ مرحوم سیف الله داد، معاون سینمایی وقت در کنفرانسی مطبوعاتی عملا به خاطر ابتذال حاکم بر جشنواره عذرخواهی کرد.»

رئیس‌پیشین انجمن منتقدان و نویسندگان سینما در ادامه بیان می‌کند: «روند رو به ابتذال سینمای ایران از آغاز فعالیت دولت یازدهم سرعت بیشتری یافت. به طوری که ویژگی‌های سینمای قبل از انقلاب بار دیگر غلبه یافت و در نتیجه این سینما به‌طور آشکاری، سوی افول رفت و پوک‌تر شد. چون تفکر به آن تزریق نمی‌شود و دست‌اندرکاران و سیاستگذاران و مدیران سینمای ما نیز چشم اندازی برایش طراحی نمی‌کنند. تا آن حد که به یک موجود فربه اما فاقد مغز تبدیل شده است. اگر همین روال پیش رود، وضعیت سینمای ایران بدتر از این هم خواهد شد.»

ترویج ابتذال با اهداف سیاسی

اگر از سینما فراتر برویم و کل فضای فرهنگی کشور را در نظر بگیریم، می‌بینیم که مسئله آثار مبتذل و سخیف، در عرصه‌های دیگر هم قابل ردیابی است. تئاتر، مدت هاست که با موج نمایش‌های هنجارشکن و ضدارزش مواجه است. بازار نشر نیز از کتاب‌های زرد و غیراخلاقی رنج می‌برد. اتفاقا در سال‌های اخیر ناشرانی رو به چاپ چنین آثاری آورده‌اند که گرایش‌های فکری و سیاسی خاصی دارند. یعنی اغلب دیده می‌شود که این ناشران جبهه شبه روشنفکری هستند که رمان‌هایی با مضامین سخیف را راهی کتابفروشی‌ها می‌کنند. در سینما نیز همین جریان در حال پی گیری است. در دو دهه گذشته، عمدتا کارگردان‌های سطح پایین یا تهیه کنندگانی که صرفا اهداف تجاری داشتند، فیلم‌هایی آلوده به لودگی را می‌ساختند. اما جریان جدید فیلم‌های سخیف، عموما توسط فیلمسازهای مدعی روشنفکری و کارگردان‌های دارای رویکردهای خاص سیاسی تولید می‌شود. به همین دلیل هم برخی کارشناسان معتقدند که گرایش شبه‌روشنفکرها به تولید فیلم‌های سخیف، بخشی از یک پروژه سیاسی است. بطور مثال، محمدتقی فهیم، منتقد سینما در یک برنامه تلویزیونی گفت: «جریان انحرافی فکری راه افتاده که تولیداتی به ما می‌دهد که دچار ابتذال و سطحی گرایی است، از خطوط قرمز رسمی گذشته و روی ارزش‌های مردم پا گذاشته است.این طیف از فیلمسازها می‌خواهند برای دموکراتیک کردن جامعه ابتذال را رواج دهند.»

همچنین سعید مستغاثی، در این باره به گزارشگر روزنامه کیهان می‌گوید: «امروز این مدعیان شبه روشنفکری هستند که دچار ابتذال شده‌اند. البته این مسئله در دوران طاغوت هم سابقه داشت. مثل احمد شاملو که فیلمنامه تعدادی از فیلمفارسی‌های آن دوران را می‌نوشت. این قضیه امروز هم در حال تکرار است و مدعیان شبه روشنفکری، یک سری تصاویر متحرک را به نام سینما به خورد مردم می‌دهند. چون به نظر من ۹۰ درصد این گونه آثار اصلا سینما نیست و باید از این هنر رفع اتهام کرد.»

وی می‌افزاید: «خود این فیلمسازها هم متوجه شده‌اند که مردم دیگر گول فیلم‌های پرادعای آنها را نمی‌خورند و از آن همه چرک‌نمایی خسته شده‌اند. همان طور که در زمان شاه هم سینمای شبه روشنفکری دو وجه داشت؛ هم ابتذال، هم موج نو. مثل فیلمسازهایی چون بهمن فرمان آرا، منوچهر صادق پور، مهدی میثاقیه و... که هر دو جنبه را پیش می‌بردند؛ هم فیلم‌های به اصطلاح موج نو می‌ساختند و هم فیلم‌های مبتذل. چون شبه روشنفکری یک دکان است؛ یک جریان بدون فکر و هویت که بیمار هم هست و به همین دلیل هم نمی‌تواند درست حرکت کند؛ تلو تلو می‌خورد و به هر طرف می‌افتد.»

صحبت این کارشناس درباره دودوزه بازی کردن شبه روشنفکران در سینمای قبل از انقلاب، امروز هم درباره این طیف درحال تکرار است. به عنوان مثال، کارگردانی که آثار قبلی‌اش در حوزه فمنیستی و اجتماعی بود، اخیرا فیلمی ساخته پر از هجویات و بدون ساختار سینمایی! همچنین کارگردان دیگری که فیلم قبلی‌اش یک اثر سیاسی و پر از کنایه به نظام بود، امروز فیلمی را روی پرده برده که از ابتدا تا انتهای آن را شوخی‌های جنسی در بر گرفته است! فیلم اخیر یک کارگردان اپوزیسیون نما نیز همین وضعیت را دارد، سینما در آن نیست اما ابتذال فراوان دارد.

نتیجه مدیریت غلط

بنابراین، موج جدید فیلم‌های سخیف را می‌توان یک پروژه سیاسی دانست. اما نقش مدیریت دولتی سینما در این بین چیست؟ یک بازیگر پیشکسوت معتقد است که تولید و نمایش حجم گسترده فیلم‌های سخیف، ناشی از یک «مهندسی مدیریت شده» است.

هوشنگ توکلی کارگردان و بازیگر سینما و تلویزیون در گفت وگو با گزارشگر روزنامه کیهان می‌گوید: «در دوران مدیریت حجت‌الله ایوبی و محمدمهدی حیدریان بر سازمان سینمایی، خط مشی تغییرات اساسی در حوزه محتوای سینمایی دنبال می‌شد. وقتی تفکراتی که طی پنج سال اخیر در ساخت و ساز فیلم‌ها اعمال کردند را مرور کنیم می‌بینیم مسیری را پیش بردند تا خط قرمزها و محدودیت‌ها را کم کنند و خود را ناجی سینماگران جلوه دهند! البته اگر نتیجه کارشان، اصلاح محدودیت‌هایی بود که مغایر منافع فرهنگی کشور و منافع سینما بود، ایرادی نداشت، اما این پروژه به ضرر فرهنگ و سینما بوده است و در دوران هر دو مدیر، مجموعه فیلم‌هایی ساخته شد که خارج از تفکرات اصلی نظام فرهنگی کشور بودند. فیلم‌های کمدی اخیر نیز جدا از این خط‌مشی نیست. وگر نه چند کارگردان یا تهیه‌کننده بدون تعیین مدیریت، قادر به تولید چنین آثاری نیستند. حتی امکان دارد که خود سازندگان این آثار هم از فیلم هایشان راضی نباشند اما به خواسته مراکز تصمیم گیرنده تن می‌دهند.»

کارگردان سریال «شهید مدرس» تصریح می‌کند:«من معتقدم که موج گسترده فیلم‌های سخیف، خواسته مدیریت سازمان سینمایی دولت در پنج سال اخیر بوده است. این موج ناشی از یک برنامه‌ریزی مهندسی شده است و مسئول اصلی آن را هم اداره کل ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی می‌دانیم. چون این اداره، آثار را بازبینی و نظارت کرده و به آنها پروانه ساخت و نمایش داده است.»

وی توضیح می‌دهد: «ماجرا از این قرار است که بخشی از نیروهای تولید در عرصه سینما در مشورت با اعضای شورای نظارت به این نتیجه رسیده‌اند که چنین آثاری تولید کنند. اگر یک یا دو فیلم بود، می‌شد گفت که اتفاقی یا ناشی از تصمیم شخصی خود فیلمسازهاست. اما وقتی تعداد زیادی فیلم با این وضع ساخته می‌شود یعنی این جریان اتفاقی نیست.»

توکلی تأکید می‌کند: «نگرانی ما این است که سینمایی که ۴۰ سال برای آن زحمت کشیده شده تا به جایی برسد و در دنیا شناخته شود، تحت تأثیر این سیاستگذاری‌های غلط مدیریتی به راحتی آسیب ببیند و رفته رفته حذف شود. به همین دلیل هم باید نخبگان و اهالی نظر طی جلساتی با مسئولان سازمان سینمایی حرف بزنند و اجازه ندهند تا فضای سینما بحرانی شود و مسئله حل شود. به ویژه با حضور مدیریت جدید سازمان سینمایی باید این تعامل‌ها ایجاد شود.»

سعید مستغاثی، منتقد و مستندساز: روند رو به ابتذال سینمای ایران از آغاز فعالیت دولت یازدهم سرعت بیشتری یافت. به طوری که ویژگی‌های سینمای قبل از انقلاب بار دیگر غلبه یافت و در نتیجه این سینما به‌طور آشکاری، سوی افول رفت و پوک‌تر شد. چون تفکر به آن تزریق نمی‌شود و دست‌اندرکاران و سیاستگذاران و مدیران سینمای ما نیز چشم اندازی برایش طراحی نمی‌کنند. تا آن حد که به یک موجود فربه اما فاقد مغز تبدیل شده است. اگر همین روال پیش رود، وضعیت سینمای ایران بدتر از این هم خواهد شد.

نگاهی به کتاب‌های «پایان‌نامه» و «قطعه مقدس» نوشته سعید مبین شهیر

اگر به آسمان نرسم، او حتما به من خواهد رسید

سعید مبین شهیر نویسنده جوانی است که سبک جدیدی در نوشتن را تجربه می‌کند. که خود آن را «نمادگرایی جادویی» می‌نامد. مبین شهیر متولد ۱۳۷۸ و دانشجوی رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز است. این نویسنده تبریزی نخستین کتابش را با عنوان «پایان‌نامه» در سال ۱۳۹۶ منتشر کرد. «پایان‌نامه» مورد استقبال صاحب‌نظران قرار گرفت و نقدهای خوبی دریافت کرد. مقصود سامع - شاعر و نویسنده- درباره «پایان نامه» می‌نویسد: «نگاه نو و قلم متفاوت و نوگرایانه از جمله ویژگی‌های بارز و در خور توجه نویسنده این کتاب است. وی در این کتاب در تلاش است نگرش‌های تازه‌ای را به تصویر درآورد، نگاه او، نگارش بدیع با واژگان متفاوت بسیار تصویرگراست. هرچند نگاه نو به جهت تازگی نیازمند تلاش بیشتر است. اما وی توانسته خواننده را با خود همراه کند.»

این نویسنده جوان و پرتلاش سعی دارد که این پیام را به مخاطبان؛ به ویژه نسل جوان برساند که:

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش

تازه‌ترین اثر سعید مبین شهیر با عنوان «قطعه‌مقدس» چندی پیش طی مراسمی در کتابخانه شهید باکری سردرود رونمایی شد.

مراسم رونمایی از کتاب «قطعه مقدس» با حضور دکتر شهرتی‌فر (معاون سیاسی-امنیتی استان آذربایجان شرقی)، استاد کریم مراغه‌ای (مدیر کانون‌های مساجد استان)، شهرداران برخی از شهرها، اعضای شورای شهر و شماری از مسئولان استان برگزار شد.

در این مراسم دکتر شهرتی‌فر از نویسنده کتاب به خاطر ابداع سبکی جدید در ادبیات ایران قدردانی کرد. وی همچنین گفت: این کتاب درباره ارزش‌ها حرف می‌زند و ما همه باید از ارزش‌های جامعه حمایت کنیم.

سعید مبین شهیر درباره علاقه‌اش به کتاب و نوشتن می‌گوید: از کودکی عاشق کتاب بودم. بهترین هدیه همیشه برای من کتاب بود. خصوصا کتاب‌های مذهبی و فانتزی. در میان کتاب‌های مذهبی به کتاب‌هایی که در خصوص سخنان و زندگانی حضرت علی(ع) نوشته شده بودند علاقه بیشتری داشتم. آرام‌بخش‌ترین مکان‌ها برای من مساجد و کتابخانه‌ها هستند و اگر فردی با این دو مکان انس بگیرد و آرامش غیرقابل وصفی را تجربه خواهد کرد. نوشتن را از کلاس اول ابتدایی شروع کردم، به تشویق والدین و آموزگارانم به طور حرفه‌ای آن را ادامه دادم، در دوره دبیرستان نخستین کتابم با عنوان «پایان‌نامه» چاپ شد.

در فصل بیستم «پایان‌نامه» آمده است:

عمر فاصله میان ما، زمان حل معمای آفرینش بود...
جهش آوارگی‌ها تو را می بیند...
و پس از ده نسل به تو برمی‌گردد...
پایم را بی‌درد روی سنگ‌های لغزنده می‌گذارم...
اگر به آسمان نرسم، او حتما به من خواهد رسید....
ای کاش می‌توانستی مرگم را بشماری.... که پنجاه هزار هوس از تنم بیرون می‌گریزاند...
رهگذری بر بی‌معرفتی خود شدم... اما هنگامی که زیر خاک بی‌انتها، بی‌نیاز شدم، مسافر همیشگی نیازهایم گشتم...
من بودم... هزاران سال پیش... در تماشای سخنان شیطان... سخنانی که در آینده شکل گرفتند....
از خداوند خواستم مرا در قلب انسان‌ها پایدار نگه دارد...
اگر بازی فرزندان و همسران شیطان را بر شکوفه‌ها و میوه‌ها بدل کنم...
آن گاه خواهی فهمید که دنیای ما در حال بازی است.
بازی دوستان و دشمنان...
از زمین و زمان و زیبایی‌هایشان جدا شدم... به دوزخ خداوند رسیدم... درخت کهن سال دیروز پیرتر شده بود...
اما سیب خورده شده ای را کنارش دیدم که به زنجیر بسته شده بود...
سیبی که هر روز شرم می‌کند...
اما حس بخشایش، ششمین حس نارسیده اوست...
و فریاد بلوطی را از همان درخت شنیدم...
احساس کردم از دریای لحظه‌هایم برخاست...
اما فهمیدم تنها کتک هدیه‌های یک مجسمه را خوردم...
مجسمه‌ای آزاد که بلوط درون قلبش بدون مشعل سوزانده می‌شود...

*** از کودکی عاشق کتاب بودم. بهترین هدیه همیشه برای من کتاب بود. خصوصا کتاب‌های مذهبی و فانتزی.**

سعید مبین شهیر درباره مضمون نوشته‌هایش در «پایان‌نامه» می‌گوید: در این کتاب سعی کردم مشکلات آینده بشر را ترسیم کنم. مشکلاتی که علت آن دور شدن انسان از خود و فراموش کردن خداوندش است. استفاده نادرست از تکنولوژی سبب فاصله گرفتن انسان از ارزش‌های والای انسانی همچون عدالت، راستی و بینش صحیح می‌گردد. اصل دیگری که در کتاب به آن اشاره کرده‌ام توجه به تاریخ است. من معتقدم ملتی که تاریخ خود را نشناسد در گمراهی زندگی می‌کند.

سبک نمادگرایی جادویی

نمادگرایی جادویی چگونه سبکی است؟ مبین شهیر در پاسخ می‌گوید: نوشته‌های من نه داستان هستند و نه شعر. وقتی از من پرسیده می‌شود درباره موضوع کتاب‌هایم توضیح دهم واقعا نمی‌دانم چه بگویم چون نوشته های من بر مدار یک موضوع خاص که یک شروع و یک پایان داشته باشد، نمی‌گردد. سبک «نمادگرایی جادویی» از وسعت علوم انسانی درنوشتن متون، اشعار و داستان‌ها استفاده می‌کند؛ به طوری که فهم دو کتاب «پایان‌نامه» و «قطعه مقدس» در گروی داشتن اطلاعات دینی، تاریخی، ادبی و فلسفی است. کوتاه‌نویسی و ایجاز از دیگر ویژگی‌های غیربنیادین این سبک است، همچنین استفاده از نمادهای جدید و عمدتا تا به حال استفاده نشده و از هم گسیختگی جملات، در این سبک حتی یک مفهوم می‌تواند در قالب نمادهای گوناگون در یک کتاب عرضه شود. هر انسانی میزانی از شناخت شهودی را داراست و پرورش این شناخت در سبک نمادگرایی جادویی بسیار ضروری است. به نظر من نمادگرایی جادویی در تعریف کلی عبارت است از نمادگرایی جدید، افراطی و ساختارشکن.

*** آرام‌بخش‌ترین مکان‌ها برای من مساجد و کتابخانه‌ها هستند و اگر فردی با این دو مکان انس بگیرد آرامش غیرقابل وصفی را تجربه خواهد کرد.**

در کتاب «قطعه مقدس» می‌خوانیم:

چگونه می‌گویید دیگران را قربانی کنند تا خشنود شویم؟... اگر مردید... و آیندگان شما را برانگیختند... قطعا مجازات خواهید شد... حال آن که از ثروتمندان هستید... پس همانند ستارگان... به گروه آسمان بپیوندید... شما در سایه علم مأمون هستید... چنین باد که جاودان باشید... و پادشاه جهان‌های هم عرض...

اگر بشورید... و آیین سیاه و باستانی خود را جویید...

*** الگوی ادبی من نیما یوشیج است. ایشان برای من نماد کامل استواری و ایستادگی در مقابل مشکلات است... مقاومت و اعتماد به نفس او باعث به ثمر رسیدن شعر نو شد.**

*** نوشته‌های من نه داستان هستند و نه شعر... نوشته‌های من بر مدار یک موضوع خاص که یک شروع و یک پایان داشته باشد، نمی‌گردد.**

*** سبک «نمادگرایی جادویی» از وسعت علوم انسانی در نوشتن متون، اشعار و داستان‌ها استفاده می‌کند.**

از شما رو می‌گردانم... و سرنوشت شما چه بد سرنوشتی خواهد بود...

مبین شهیر درباره کتاب «قطعه مقدس» می‌گوید:

«قطعه مقدس» انسان را از خطرات احتمالی آینده بیم می‌دهد و ماشینی شدن انسان را یک تهدید جدی برای او می‌داند. زبان نوشتاری کتاب سرداست، اما همواره با صمیمیت که واقع‌گرایانه سخن می‌گوید.

به کسی ندارم الفت ز جهانیان، مگر تو

سعید مبین شهیر در رابطه با نویسندگان تازه قلم و علاقه خود به سعدی و نیما می‌گوید: لذتی که در دست گرفتن کاغذهای یک کتاب است، هیچ جای دیگر یافت نمی‌شود، من در خلوت خودم شعر نیز می‌سرایم، از میان شاعران بزرگ حلاوت سخنان استاد سعدی شیرازی به گونه‌ای است که به دل هر کس می‌نشیند؛ مصرع «به کسی ندارم الفت ز جهانیان، مگر تو» سروده استاد، سلاح من در برابر مشکلات زندگی است. یکی از کارهای اشتباهی که در رابطه با نویسندگان تازه قلم صورت می‌گیرد، تخریب و دلسرد کردن آن‌هاست. چه اشکال دارد که در ابتدای نویسندگی یک فرد او را تشویق صددرصدی کنیم و سپس باگذشت زمان به نقد نوشته‌های او و نه صرفا انتقاد بپردازیم. الگوی ادبی من نیما یوشیج است. ایشان برای من نماد کامل استواری و ایستادگی در مقابل مشکلات است. زمانی که کسی شعرنو را قبول نمی‌کرد، مقاومت و اعتماد به نفس او باعث به ثمر رسیدن شعر نو شد. شعر «ای آدم‌ها» نیز یکی از اشعاری است که همیشه زمزمه می‌کنم.

سخنی با نویسندگان

سعید مبین شهیر در پایان می‌افزاید: یک نویسنده خوب باید سه ویژگی را حتما داشته باشد تا بتواند پیشرفت کند: ۱- مطالعه کتاب، دیدن فیلم و گشت در طبیعت ۲- داشتن نگاهی منتقدانه به آثار دیگران ۳- پای‌بندی به اخلاق، نویسندگان باید چشم و زبان جامعه باشند نویسندگانی هستند که تنها می‌بینند و سخن نمی‌گویند و اشخاصی هم هستند که چیزی نمی‌بینند و تنها فریاد می‌زنند.

خوانندگان عزیز برای تهیه کتاب «قطعه مقدس» با شماره ۰۹۱۴۹۱۸۸۵۸۷ تماس حاصل فرمایند.

ر-تیرگری

جدول شماره ۱۱۲۹۳

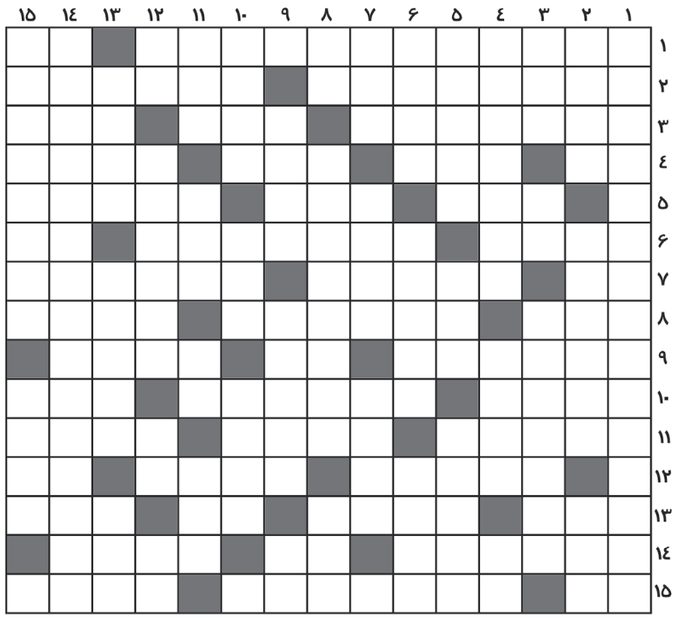

افقی:

۱- مدیران باید این مهم را نصب‌العین خود قرار دهند تا در امور محوله موفق باشند- اثری از تامس هاردی نویسنده انگلیسی ۲- ضرب‌المثلی که باعث خجالت و بی‌اعتباری انسان در نزد دیگران می‌شود- کم‌خطرترین روش تصویربرداری در علم پزشکی ۳- یکی از چهار فرشته مقرب درگاه خداوند- شهر موسیقی- آرایشده ۴- با تاب خود روزآفرین می‌گردد- سلاح کاشتنی- یکی از ماندنی‌ها برای انسان- همسر موحد فرعون ۵- علامت سکوت در بیمارستان- حاکم و فرمانروا- انتخاب شده و برگزیده ۶- کیمیای دیار غربت- از سرداران امام حسن مجتبی(ع)- واحدی در فضا ۷- رایحه- شترمرغ آمریکایی- از مباحث علوم ریاضی ۸- رها و آزاد- از زبان‌های پررونق در بین‌النهرین باستان- معروف و مشهور ۹- شاه مغول که سلسله عباسی را منقرض کرد- سلسله و نفوذ- پیامبر صابر ۱۰- خطرناک و ناگوار- آخرین جنگ یزدگرد با سپاه اسلام در این شهر رخ داد- رود مرزی ۱۱- فلک آن در لرستان دیدنی است- درسی که به دانش‌آموزان آموزش نویسندگی می‌دهد- یکی از نام‌های خداوند ۱۲- نقاش مشهور فرانسوی- پدر شعر نو- حیوان باوفا ۱۳- واحد پول کشور کوبا- عاقل و خردمند- قدم یکپا- دروازه‌بان فوتبال ۱۴- نام چند تن از شاهان سلسله اشکانی- همسایه قدیمی تهران- یکی از دو عروسک ملی ۱۵- شماره مخصوص- نمایشنامه‌ای از آنتوان چخوف روسی- مروارید مرکبات.

عمودی:
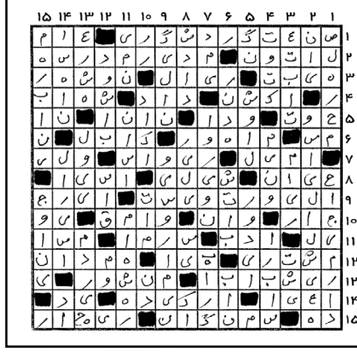
۱- آرزوی شهروندان کلان‌شهرهای بزرگ داشتن آن در این روزهاست ۲- نام کوچک عمران‌زاده مدافع اسبق استقلال- نویسنده مشهور روسی و خالق دن آرام- پرجمعیت‌ترین نژاد بشر در جهان ۳- فنی در کشتی- نفس خسته- رودی در استان کرمان ۴- یکی از اقوام بدوی سامی‌نژاد که در جنوب فلسطین و مشرق رود اردن زندگی می‌کردند- پایتخت کشور اردن- غوزه پنبه ۵- کشوری آرام با مردمی زمان‌سنج در اروپا- چشمه‌ای معروف در محور هراز- باد شدید همراه با بارش برف ۶- صداها- شرکت بزرگ برقی در آمریکا که ورشکستگی آن باعث برملا شدن فساد در آمریکا شد- پسران ۷- از بلایای طبیعی- از رشته‌های ورزشی- نوعی بیماری خطرناک که از حیوانات به انسان منتقل می‌گردد ۸- کالایی که این روزها خریدار ندارد- شاهکار ویکتور هوگو- واحدی برای کاغذ ۹- لحظه سخت خداحافظی- شهری در استان یزد- حرف انتخاب ۱۰- حرکتی فنی در بازی فوتبال- از جانوران اولیه زمین- ویژگی آن که به موقعیتی دست یافته است ۱۱- کشوری مظلوم در شبه جزیره عربستان- نویسنده معروف آلمانی که مخالف جنگ بود- شهری در هلند- هفته‌نامه معروف اقتصادی خاورمیانه ۱۲- حرف فاصله- از رشته‌های علوم دانشگاهی- ضمیر اول شخص جمع- زائو ترسان ۱۳- از جناح‌های سیاسی- جزیره‌ای در خلیج فارس- از بیماری‌های پوستی ۱۴- اثری از دکتر ابراهیم آیتی مورخ متعهد و فقید معاصر ۱۵- از نمایش‌های روحوضی و سنتی- جان‌پناه.